
ترسیم جاهلیت از دیدگاه نهج البلاغه بر مبنای استراتژی داده بنیاد متنی

هاجر اسماعیلی* / محسن خوشفر**

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۱۴

چکیده

سخن از جاهلیت سخن از راه و روشی است که محدود به زمان و مکان مشخص نمی‌باشد و در واقع یک سرشت اجتماعی است که می‌تواند در هر مکان و هر زمان بروز کند. ارائه شاخصه‌های جاهلیت از اهمیت بسزایی برخوردار است چرا که با تطبیق آن شاخصه‌ها بر هر جامعه‌ای می‌توان از وجود جاهلیت در آن جامعه آگاه شد. بدین منظور در این پژوهش تلاش شده است تا با استفاده از استراتژی پژوهشی داده بنیاد، مبتنی برآموزه‌های کتاب شریف نهج البلاغه الگویی از جامعه جاهلی ارائه گردد، که بر اساس استنباط داده‌ها و کدهای استخراج شده از آن اگر جامعه از پذیرش هدایت الهی امتناع کند و در عقاید او اضطراب ایجاد شود و در شناخت معبود دچار گمراهی گردد و از حجت الهی و امام برحق پیروی نکند و به نوعی سطحی‌نگر باشد موجبات سقوط آن در جاهلیت فراهم گشته است هرچند آن جامعه در سطح بالا و متریقی از علم و صنعت و تمدن باشد.

واژگان کلیدی

جاهلیت، جامعه جاهلی، نهج البلاغه، امام علی (علیه السلام)، داده بنیاد متنی، الگوی تبیین جاهلیت.

hajaresmaeil@gmail.com

* کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم قرآن و حدیث، قم، ایران

** استادیار جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران

مقدمه

جاهلیت به صورت‌های گوناگون ظهور و بروز پیدا می‌کند و در طول تاریخ شکل خاصی به خود می‌گیرد اما از جهت تصورات و آثار فعالیت‌های خود، در طول ادوار مختلف تفاوتی ندارد. از آنجا که در جامعه امروز کوشش دارند تا خدا و آیین او را با قرون وسطی و دوره‌های تاریک زندگی بشر ارتباط دهند و اینکه میان علم و دوری گزیدن از آیین خدا ارتباط پدید آورند و همچنین به خاطر غفلت مسلمانان از جاهلیتی که امروزه در جهان معاصر گسترده و فراگیر شده است، ضرورت دارد تا با کاوش در گزاره‌های نهج البلاغه الگویی طرح گردد که ترسیم کند چه شرایطی موجب می‌شود، یک جامعه هر چند که مدرن و پیشرفته در علم و صنعت باشد، جاهلیت نام بگیرد و چه شاخصه‌هایی برای شناخت جاهلیت وجود دارد که هر جا رخ بنماید به آن جامعه، عنوان جاهلی می‌دهد.

این پژوهش برای شناخت مفهوم جاهلیت، با بررسی علت‌ها و عواملی که در ایجاد آن اثر دارد با بیان راهبردهای آن، می‌کوشد تا از زاویه‌ای نو و با روش کیفی با استفاده از روش داده بنیاد از میان گزاره‌های ناب نهج البلاغه الگوی زندگی و جامعه جاهلی را به تصویر کشد. برای این منظور کتاب نهج البلاغه به عنوان منبع دستیابی به این الگو انتخاب شده است و با بررسی نکته به نکته آن، نکاتی که مربوط به جاهلیت بود استخراج گردید. در مراحل بعد این گزاره‌ها کدگذاری و طبقه بندی شد و در نهایت در غالب یک مدل ارائه گردید تا به تصویر جامعه جاهلی از دیدگاه امام علی (علیه السلام) به عنوان الگویی که در تمام ادوار تاریخ به کار آید دست یابد.

پیشینه تحقیق

در این موضوع کتاب و مقالات گوناگون به نگارش در آمده است همچون: ۱. «جاهلیت و مدنیت در نهج البلاغه از آقای مصطفی دلشاد تهرانی» که به روش توصیف تقابل شاخص‌ها بر اساس حدیث جنود عقل و جهل در مقام تحلیل شاخص‌های جاهلیت و مدنیت در نهج البلاغه برآمده است. ۲. «جاهلیت یک سرشت نه دوره‌ای گذرا از علی اسدی» ۳. «راهکارهای اخلاقی مقابله با مولفه‌های جاهلیت جوامع مدرن از محمد شعبانپور» ۴. «مولفه‌های قرآنی فرهنگ جاهلیت و مصادیق آن در جوامع مدرن از محمد شعبانپور» که تفاوت مقاله حاضر با این مقالات در اتخاذ روش پژوهش می‌باشد و کتاب‌هایی از جمله: «جاهلیت قرن بیست از محمد قطب» او مظاهر جاهلیت جدید را در ابعاد سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و اخلاقی و هنری نقد کرده است و «بین الجاهلیه والاسلام از محمد مهدی شمس الدین». که بطور کلی از شاخصه‌ها و عوامل جاهلیت سخن گفته‌اند از آنجا که تحقیق‌های ارائه شده، مدل و الگوی

خاصی را از جاهلیت ارائه نداده‌اند که همه شرایط و زمینه‌های ایجاد جامعه جاهلی و عوامل مداخله‌گر برای جلوگیری از ایجاد آن را در نگاه امیرالمومنین (علیه السلام) بیان کرده باشند و از طرفی تاکنون در این موضوع به روش داده بنیاد تحقیقی انجام نپذیرفته است، در نتیجه نوع نتایج تحقیق با تحقیق‌های گذشته متفاوت خواهد بود.

مفاهیم.

قبل از ورود به بحث، به شرح جاهلیت در لغت و اصطلاح می‌پردازیم:

۱. جاهلیت در لغت

کتاب العین جاهلیت را مربوط به قبل از اسلام می‌داند «الجاهلیة الجَهْلَاء»: زمان الفترة قبل الإسلام» (فراهیدی، ۱۴۰۹: ۳/۳۹۰). همچنین در جمهره الغه جاهلیت را اسمی که اسلام بر اهل شرک نهاده بیان می‌کند «الجاهلیة: اسم وقع فی الإسلام علی أهل الشُّرک فقالوا: الجاهلیة الجَهْلَاء.» (ابن درید، ۱۹۸۸: ۱/۴۹۴). راغب اصفهانی نیز در مفردات الفاظ قرآن جهل را به سه گونه آورده است:

۱. خالی بودن نفس و خاطر انسان از علم و دانش که بعضی از متکلمین یعنی (دانشمندان دینی که از راه حکمت و استدلال عقلی با خصم گفتگو می‌کنند) معنی اولیه جهل را مقتضی و مناسب کارهایی می‌دانند که با بی‌نظمی جریان دارد.

۲. اعتقاد و باور داشتن چیزی بر خلاف آنچه که هست.

۳. انجام کاری بر خلاف آنچه که باید انجام شود خواه درباره آن اعتقاد درستی داشته باشد یا اعتقادی

ناصحیح و فاسد مثل کسی که عمدا نماز را ترک می‌کند. (راغب، ۱۳۷۴: ۱/۴۲۷)

و ابن منظور در ماده «جهل» ابتدا جهل را نقیض علم دانسته است، سپس با بیان نمونه‌هایی، جهل را در برابر حلم و بردباری و در یک مورد به تلویح آن را در برابر عقل دانسته است: «هی الحال التی کانت علیها العرب قبل الإسلام من الجَهْل بالله سبحانه ورسوله و شرائع الدین و المفاخرة بالأنساب و الکبر و التَّجَبُّر و غیر ذلك» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۱/۱۳۰). یعنی حالتی که عرب پیش از اسلام در آن بسر می‌برد، از نادانی نسبت به خدا و پیامبرش، شرایع دین و فخرفروشی به پدران، نسب‌ها غرور، خودپسندی و مانند آنها.

بنابر آنچه گفته شد در کتاب‌های لغت واژه جاهلیت به صرف نادانی ترجمه نشده است. از این نمونه‌ها به خوبی آشکار می‌گردد که جهل و جاهلیت به معنی پرخاشگری، شدت در عمل، ستم کردن و عدم بردباری است که البته بیشتر اهل لغت آن را به دوره قبل از اسلام اطلاق کرده‌اند.

۲. جاهلیت در اصطلاح

در متون تاریخی به مفهوم جاهلیت پرداخته شده که مهمترین آنها به شرح زیر می باشد:

در نگاه طبری قوم عرب خوارترین، بدبخت‌ترین و گمراه‌ترین قوم بود که در لانه‌ای محقر و کوچک میان بیشه شیر (ایران و روم) زندگی می‌کرد. سوگند به خدا، در سرزمین عرب چیزی موجود نبود که مورد طمع و یا حسد بیگانگان باشد. هر آن کس از اعراب که می‌مرد یکسره به دوزخ می‌رفت و هر آنکه زندگی می‌کرد و حیات داشت، گرفتار خواری و مشقت بود و دیگران لگدمالش می‌کردند، سوگند به خدا که در سرتاسر زمین قومی را نمی‌شناسم که خوارتر و تیره بخت‌تر از عرب باشد (طبری، ۲۵/۴).

ابن خلدون دوران جاهلیت را چنین توصیف می‌نماید: «این قوم بر حسب طبیعت، وحشی و یغماگر بودند و موجبات وحشی‌گری چنان در میان آنها استوار بود که جزء خوی و سرشت آنها شده بود و از این طریق از قید فرمانبری حکام سرباز می‌زدند. خوی آنها غارتگری بود و روزی آنها در پرتو نفیره‌ها فراهم می‌آمد...» (ابن خلدون، ۱۳۹۳: ۲۸۵).

بنابر این تعاریف، جهل در برابر علم نیست، بلکه در برابر حلم بوده و به معنای سفاهت، خشم، تکبر و افتخارات بیجا می‌باشد که در تاریخ عرب پیش از اسلام منحصر نمی‌ماند، بلکه مظاهر و مصادیق فراوانی از آن پس از اسلام هم وجود دارد تا جایی که می‌توان سده‌های نخستین اسلامی را دوران مبارزه فرهنگ جاهلیت با ارزش‌های جدید اسلامی دانست (احمد امین، ۱۳۳۷: ۶۰).

محمد قطب بر آن است که جاهلیت هم نوعی حالت روانی است که فرد از پذیرش هر نوع هدایت از سوی خدا سرپیچی می‌کند و هم نوعی عملکرد است که داوری بر طبق احکام الهی را بر نمی‌تابد. جاهلیت همان هوا و هوس است که منحصر به دوره خاصی نیست و همه اقوام و زمان‌ها را در بر می‌گیرد. (قطب، ۱۳۶۰: ۱/ ۱۲-۱۳).

همچنین قرآن کریم جاهلیت را به عصر پیش از اسلام اطلاق نموده است، زیرا اعراب در آن عصر، بت می‌پرستید و با یکدیگر به نزاع می‌پرداختند... گاهی فرزندان خود را زنده به گور می‌کردند و شراب می‌نوشیدند. (فروخ، ۲۰۰۶: ۷۳/۱).

دکتر شوقی ضیف پس از نقل برخی از آیات و روایات در این مورد می‌گوید: «از همه این شواهد چنین استفاده می‌شود که ریشه جهل از قدیم به معنای تند و خیره‌سری و بی‌خردی به کار رفته و عصر جاهلیت با همه جنبه‌های شرک آمیز و اخلاق مبتنی بر عصبیت و انتقام‌جویی و خون‌خواری و تبه‌کاری و سیه‌کاری اش به عصر نزدیک اسلام حداکثر تا دویست سال قبل از ظهور اسلام اطلاق گردیده

است» (شوقی ضیف، ۱۳۷۷: ۴۷).

در دوران معاصر به ویژه از آغاز قرن بیستم میلادی تعدادی از مستشرقان، نادانی را معنای ثانوی جهل دانسته و می‌گویند جهل در دوران قبل از اسلام نه مقابل علم بلکه مقابل حلم بود و حلم را بردباری، بخشندگی، لیاقت، درایت و نیک‌اندیشی معنا نموده و مفهوم جهل را خشونت، ناهنجاری، خودستایی، بی‌ارادگی و شتابزدگی می‌دانند که از اشعار جاهلی نیز استنباط می‌شود. دکتر عباس زریاب‌خوئی به نقل از گل‌زیه‌ر در این رابطه می‌نویسد: «مقصود از جاهلیت نادانی نیست و جهالت در برابر حلم است نه علم، مسلم است که جاهلیت در برابر اسلام است و مقصود از آن در قرآن عصری است که با تمام موازین و ارزش‌های اخلاقی، دینی و فرهنگی درست در مقابل اسلام بوده است» (دایره المعارف تشیع، ۱۳۶۶: ۱۱) ذیل واژه جاهلیت».

با توجه به تعاریف و نظرات بیان شده؛ جاهلیت به تاریخ پیش از اسلام و جامعه عرب و به معنای نادانی منحصر نمی‌شود حتی لغت‌دانان واژه جهل را صرفاً مقابل علم نمی‌دانند، در این پژوهش معنا و مراد از جاهلیت تلفیقی از معنای لغوی و اصطلاحی اختیار شده است و پژوهشگر با این معنا و مفهوم به دنبال دستیابی به سوال اصلی پژوهش خود می‌باشد که جهل یعنی سفاقت، نداشتن علم و حلم، و عدم قدرت براندیشه، عدم بردباری بطوری که اقوال و نصایح فرد و جامعه بر سلوک و رفتارشان مطابقت ندارد یعنی آنکه سخنی می‌گویند که به آن عمل نمی‌کنند. بنابراین بر خلاف نظر برخی از دانشمندان، جاهلیت منحصر به جامعه عرب پیش از اسلام نمی‌باشد بلکه راه و روشی است که به زمان و مکان مشخصی محدود نیست، بنابراین یک مسلمان که آگاهی و شناخت صحیح از دین خود ندارد و رفتار و عملکرد غیر اسلامی دارد نیز در زمره جاهلان جاهلیت قرار می‌گیرد؛ چرا که شناخت اسلام خارج از دایره قرآن و عترت، سقوط در جاهلیت است. بنابراین جاهلیت یک سرشت اجتماعی است که می‌تواند در هر زمان و مکان ظهور کند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

بنابراینکه استراتژی مقاله حاضر، داده بنیاد متنی است نیاز است قبل از ورود به بحث شکل‌گیری کدها و مفاهیم، ابتدا روش تحقیق مقاله تعریف گردد و در حین آن، چگونگی دستیابی به این مساله شرح داده شود.

۲/۱. تعریف تئوری داده بنیاد «grounded theory»

امروزه در روش شناسی کیفی، استراتژی‌های گوناگونی نظیر مطالعه موردی، قوم‌نگاری، پدیدارشناسی و غیره وجود دارد. یکی از مهمترین این استراتژی‌ها «نظریه‌پردازی داده‌بنیاد» است؛ که با نام‌های نظریه برخاسته از داده‌ها، نظریه زمینه‌ای، نظریه بنیادی نیز شناخته می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۲). در ابتدا دو محقق آمریکایی به نام‌های گلیزر و استراوس در سال ۱۹۶۷ در کتابی به نام «اکتشاف نظریه سازی داده بنیاد» آن را معرفی کردند. هدف آن دو از ایجاد این روش آن بود که تحقیقات کیفی را نظم و ترتیب دهند و با راهکارهای نظام‌مند از درون داده‌های گردآوری شده نظریه ایجاد کنند. نام‌گذاری این روش به «نظریه پردازی داده بنیاد» به آن دلیل بوده است که نظریه‌هایی که در مورد مسایل مورد پژوهش ایجاد می‌شوند نه با تکیه بر نظریه‌های قبلی، بلکه با تکیه بر داده‌های به دست آمده متبلور می‌شوند (حسرتی، ۱۳۸۵: ۷۸). به طور کل نظریه پردازی داده بنیاد در دهه ۱۹۷۰، مقابل نگاه مسلطی که قائل بود مطالعات کمی، تنها شکل پژوهش علمی اجتماعی نظام‌مند است، ایستاد و در خط مقدم «انقلاب کیفی» و نقطه‌ای بحرانی در تاریخ علوم اجتماعی انجام وظیفه کرد و با وجود قابلیت‌های این روش بود که امروزه پژوهش کیفی شاهد بالندگی و شکوفایی است (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۷). امروزه نیز این روش شناسی یکی از پرطرفدارترین استراتژی‌های پژوهش کیفی است و هر روز نیز بر دامنه استفاده از آن افزوده می‌شود.

«نظریه داده بنیاد» در حوزه‌های موضوعی گوناگون این امکان را می‌دهد تا به جای اتکا به نظریه موجود و از پیش تدوین شده، خود به تدوین نظریه و گزاره اقدام نماید. بنابراین نظریه داده بنیاد یکی از راهبردهای پژوهش محسوب می‌شود که از طریق آن نظریه بر مبنای مفاهیم اصلی حاصل از داده‌ها شکل می‌گیرد. یعنی روند شکل‌گیری نظریه در این راهبرد حرکت از جزء به کل است (حکیمیان: ۱۰). به عبارت دیگر «نظریه پردازی داده بنیاد»، یک روش شناسی «استقرائی» کشف نظریه است که بر اساس و پایه داده‌ها به تولید نظریه می‌پردازد. (دانایی فرد و امامی، ۱۳۸۶: ۱۳).

نظریه‌پردازان داده بنیاد، از روایی استفاده می‌کنند که مستلزم جمع‌آوری و تحلیل همزمان و زنجیره‌وار داده‌ها است. نمونه برداری نظری در نظریه‌پردازی داده بنیاد به این معنا می‌باشد که آشکالی از جمع‌آوری داده‌ها را انتخاب می‌کند که متون و تصورات مفیدی را در راستای تولید یک نظریه به دست خواهد داد. این بدین معناست که نمونه برداری (آرادی) و نه تصادفی است و متمرکز بر تولید یک نظریه است (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۱۵). در این روش، تمرکز سوال‌های پژوهش، ایجاد مفاهیم و دسته‌های مرتبط

داده‌ها و تلفیق چارچوب‌های نظری ایجاد شده، باز تابنده آن‌اند که چگونه درباره گردآوری و شکل دادن به داده‌ها باید فکر کرد (حسرتی، ۱۳۸۵: ۸۴).

در پژوهش حاضر هر گزاره‌ای بر زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی و به دور از چارچوب‌های نظری بنیان نهاده شده است و در حالیکه با پیش فرض‌ها مبارزه می‌شود تلاش شده است با استفاده از داده‌هایی که بر «جاهلیت» مبتنی است در گزاره‌های نهج البلاغه به نظریه سازی پرداخته شود و دسته‌های مرتبط داده‌ها، مفاهیم و سطوح مختلف تجزیه و تحلیل، از تعامل پژوهشگر با داده‌ها و سوال‌هایی که وی درباره «جاهلیت» مطرح کرده، شکل گرفته است. بنابر این نمونه برداری إرادی است و براساس تصادف صورت نگرفته و باز تابنده چگونگی فکر کردن پژوهشگر درباره گردآوری و شکل دادن به داده‌ها می‌باشد.

در فرآیند تحلیل نظریه، داده‌ها کدبندی می‌شوند. استراوس و کوربین سه فن کدگذاری پیشنهاد دادند: کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی (همان: ۱۶). که در بخش‌های مربوطه با توجه به متن و عبارات نهج البلاغه و موضوع مورد بررسی هر کدام توضیح داده می‌شود.

۳. الگوی جاهلیت در نهج البلاغه

در راستای دستیابی به الگوی جاهلیت از منظر امیرالمومنین (علیه السلام) در نهج البلاغه بر اساس گام‌های بیان شده در روش داده‌بنیاد مراحل کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری انتخابی و خلق نظریه به شرح ذیل صورت می‌پذیرد.

۳/۱ کدگذاری باز

در این مرحله از مقاله، پژوهش‌گر همزمان با گردآوری داده‌ها و بررسی سطر به سطر و عبارت به عبارت نهج البلاغه در موضوع «جاهلیت» مفاهیم را شناسایی کرده و پس از کشف و تحلیل ویژگی‌ها و ابعاد آن، به هر کدام یک مفهوم یا کد الصاق می‌کند که گویای شرایط جاهلیت است. برای مثال؛ از عبارت « وَتَشَتَّ الْأُمْرُ وَصَاقَ الْأَخْرَجِ » (سیدرضی، ۱۳۹۴: ۱۶) «بر هم ریختگی امور» بدست آمده و به عبارت « وَصَعُوا تِيحَانَ الْمَأْخَرَةِ » (سیدرضی، ۱۳۹۴: ۲۶) مفهوم «تفاخر» الصاق شده است و از جمله « الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبٌ » (سیدرضی، ۱۳۹۴: ۵۲) «وابستگی به ظواهر و بت پرستی» استخراج گردیده و به « وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَّمِ » (سیدرضی، ۱۳۹۴: ۱۴۸) برچسب «شیوع غفلت» در جامعه داده شده است و همچنین مفهوم «پیروی کورکورانه» برای عبارت « فَأَعْتَبُوا عِبَادَ اللَّهِ وَادْكُرُوا تِيكَ الَّتِي أَبَاؤُكُمْ وَ إِيْحَاؤُكُمْ بِهَا مَرَّتَهُنَّ وَ عَلِيَهَا مَحَاسِبُونَ » (سیدرضی، ۱۳۹۴: ۱۴۸) بر گزیده شده است که از میان

عباراتی که مفهوم و خصوصیات جاهلیت را در بر داشت ۱۱۵ کد برگزیده شد که در جدول شماره (۱) به نمایش گذاشته شده است.

جدول شماره ۱

شناسه	داده	کدهای مفهومی
۱	وَ النَّاسُ فِي فِتْنٍ انْجَذَمَ فِيهَا حُبُّ الدِّينِ وَ تَزَعَزَعَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ وَ اخْتَلَفَ النَّجْرُ (خطبه ۲)	فزونى فتنه ، گسستگی ريسمان دين، شك
۲	وَ تَشَتَّتَ الْأَمْرُ وَ صَاقَ الْمُخْرَجُ (خطبه ۲)	برهم‌ریختگی امور
۳	وَ عَمِيَ الْمَضْرُوقُ فَالْهُدَى حَامِلٌ وَ الْعَمَى شَامِلٌ (خطبه ۲)	همه‌گیری گمراهی
۴	خُدِيلُ الْإِيمَانِ فَانْهَارَتْ دَعَائِمُهُ وَ تَنَكَّرَتْ مَعَالِمُهُ وَ دَرَسَتْ سُبُلُهُ وَ عَقَتْ شُرُكُهُ (خطبه ۲)	سستی ایمان
۵	عَصَى الرَّحْمَنُ وَ نُصِرَ الشَّيْطَانُ وَ أَطَاعُوا الشَّيْطَانَ فَسَلَكُوا مَسَالِكَهُ وَ وَرَدُوا مَنَاهِلَهُ بِهِمْ سَارَتْ أَعْلَامُهُ وَ قَامَ لِيَاوُهُ فِي فِتْنٍ دَاسَتْهُمْ بِأَخْفَافِهَا وَ وَطِئَتْهُمْ بِأَطْلَافِهَا وَ قَامَتْ عَلَى سَنَابِكِهَا فَهَمَّ فِيهَا نَائِبُونَ حَائِزُونَ جَاهِلُونَ (خطبه ۲)	عصیان خدا و پیروی شیطان
۶	مَفْتُونُونَ فِي خَيْرِ دَارٍ وَ شَرِّ جِيرَانٍ تَوَمَّهَتْهُمْ سُهُودٌ وَ كَحَلَّهْمُ دُمُوعٌ بِأَرْضِ عَالِمِهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلِهَا مُكْرَمٌ (خطبه ۲)	بزرگداشت نادان ، تحقیر عالمان
۷	أَيُّهَا النَّاسُ شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ بِسُغْنِ النَّجَاةِ (خطبه ۵)	شناسایی فتنه
۸	وَ عَزَّجُوا عَنِ طَرِيقِ الْمُنَافَرَةِ (خطبه ۵)	ایجاد الفت و دوستی
۹	وَ صَعُوا تَيْجَانَ الْمَفَاخِرَةِ (خطبه ۵)	تفاخر
۱۰	أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا قَدْ أَصْبَحْنَا فِي دَهْرٍ عَنُودٍ وَ زَمَنِ كَنُودٍ يَعُدُّ فِيهِ الْمُحْسِنُ مُسِيئًا (خطبه ۳۲)	عوض شدن جایگاه نیکوکار و بدکار
۱۱	يُرْدَادُ الظَّالِمُ فِيهِ عُنُودًا (خطبه ۳۲)	افزایش ستم
۱۲	لَا تَنْتَفِعُ بِمَا عَلِمْنَا وَ لَا نُسْأَلُ عَمَّا جَهِلْنَا وَ لَا تَنْخَوْفُ قَارِعَةً حَتَّى تَحُلَّ بِنَا (خطبه ۳۲)	عدم میل به دانستن
۱۳	أَنْتُمْ مَعْشَرَ الْعَرَبِ عَلَى شَرِّ دِينٍ وَ فِي شَرِّ دَارٍ مُنِيخُونَ بَيْنَ جِجَارَةٍ حُشْنٍ وَ حَيَاتٍ صُمَّ تَشْرَبُونَ الْكِدْرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجِشِبَ وَ تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَ تَقْطَعُونَ أَرْحَامَكُمْ الْأَصْنَامُ فِيكُمْ مَنْصُوبٌ وَ الْأَثَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ (خطبه ۲۶)	حکومت خشونت، بسیاری گناه،
۱۴	تَشْرَبُونَ الْكِدْرَ وَ تَأْكُلُونَ الْجِشِبَ (خطبه ۲۶)	تغذیه نامناسب



۱۵	تَقَطُّعُونَ أَرْحَامَكُمْ (خطبه ۲۶)	قطع رحم
۱۶	الْأَصْنَامُ فَيْكُمْ مَنْصُوبٌ (خطبه ۲۶)	وابستگی به ظواهر، بت پرستی
۱۷	الْأَقَامُ بِكُمْ مَعْصُوبَةٌ (خطبه ۲۶)	فزونى معصیت
۱۸	وَلَيْسَ الْمُتَجَرُّ أَنْ تَرَى الدُّنْيَا لِنَفْسِكَ تَمَنَّا وَمِمَّا لَكَ عِنْدَ اللَّهِ عَوْضًا (خطبه ۳۲)	ارزش شدن دنیا
۱۹	وَمِنْهُمْ مَنْ يَطْلُبُ الدُّنْيَا بِعَمَلِ الْآخِرَةِ وَلَا يَطْلُبُ الْآخِرَةَ بِعَمَلِ الدُّنْيَا قَدْ طَامَنَ مِنْ شَخْصِهِ وَقَارَبَ مِنْ حَطْوِهِ وَسَمَّرَ مِنْ تَوْبِهِ وَزَحَزَفَ مِنْ نَفْسِهِ لِلْأَمَانَةِ وَاتَّخَذَ سِتْرَ اللَّهِ ذَرِيعَةً إِلَى الْمَعْصِيَةِ (خطبه ۳۲)	از حق در راه معصیت بهره بردن
۲۰	وَتَزَيِّنُ بِلَيَاسِ أَهْلِ الرَّهَادَةِ وَلَيْسَ مِنْ ذَلِكَ فِي مَرَاجٍ وَلَا مَعْدَى الرَّابِعُونَ فِي اللَّهِ (خطبه ۳۲)	وجود منافق
۲۱	فَهُمْ بَيْنَ شَرِيدٍ نَادٍ (خطبه ۳۲)	مطرود بودن مومن واقعی
۲۲	فَلَتَكُنَّ الدُّنْيَا فِي أَعْيُنِكُمْ أَضْعَفَ مِنْ حُتَالَةِ الْفَرِطِ وَفُرَاضَةِ الْجَلِيمِ (خطبه ۳۲)	بی ارزش دانستن دنیا
۲۳	وَأَتَّعَطُوا بِمَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ قَبْلَ أَنْ يَتَّعِظَ بِكُمْ مَنْ تَعُدُّكُمْ (خطبه ۳۲)	پندپذیری
۲۴	وَإِفْضُوهَا دَمِيمَةً فَإِنَّهَا قَدْ رَفِضَتْ مَنْ كَانَ أَشْعَفَ بِهَا مِنْكُمْ (خطبه ۳۲)	رهایی دنیا
۲۵	أَيُّهَا النَّاسُ إِنْ أَخَوْفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ وَطُولُ الْأَمَلِ (خطبه ۴۲)	پیروی هوای نفس ، طولانی بودن آرزوها
۲۶	فَأَمَّا أَتْبَاعُ الْهَوَىٰ فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَأَمَّا طُولُ الْأَمَلِ فَيُنْسِي الْآخِرَةَ (خطبه ۴۲)	باز ماندن از پذیرش حق ، فراموشی آخرت
۲۷	أَرْسَلَهُ عَلَىٰ جِبِنٍ فَنَزَرَهُ مِنَ الرُّسُلِ (خطبه ۸۹)	خالی بودن جامعه از حضور حجت الهی
۲۸	وَاعْتَرَا مِنْ الْفِتَنِ وَانْتَشَارَ مِنَ الْأُمُورِ وَتَلَطَّ مِنَ الْحُرُوبِ (خطبه ۸۹)	ریشه کردن فتنه ها ، گسستگی امور زندگی ، شیوع جنگ
۲۹	وَطُولِ هَجْعَةٍ مِنَ الْأُمَّمِ (خطبه ۸۹)	شیوع غفلت در جامعه
۳۰	(خطبه ۸۹)	کهنگی نشانه های هدایت
۳۱	وَالدُّنْيَا كَأَسْفَهُ النَّوْرِ ظَاهِرَةُ الْعُرُورِ عَلَىٰ جِبِنِ اصْفَرَارٍ مِنْ وَرَقِهَا (خطبه ۸۹)	دنیاگرایی
۳۲	وَإِيَّاسٍ مِنْ تَمَرِهَا وَاعْوَارٍ مِنْ مَائِهَا (خطبه ۸۹)	افسردگی ، ناامیدی
۳۳	فَاعْتَبِرُوا عِبَادَ اللَّهِ وَادْكُرُوا تِيكَ الَّتِي أَبَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ بِهَا مَرَّتَهُنَّ وَعَلَيْهَا مُحَاسِبُونَ (خطبه ۸۹)	پیروی کور کوررانه



۳۴	بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضَلَالٌ فِي حَبْرَةٍ وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ (خطبه ۹۵)	سرگردان در گمراهی و فتنه
۳۵	قَدِ اسْتَهْوَتْهُمْ الْأَهْوَاءُ (خطبه ۹۵)	پیروی از هوای- نفس، گمراهی
۳۶	وَ حَاطِبُونَ فِي فِتْنَةٍ (خطبه ۹۵)	کورکورانه در فتنه رفتن
۳۷	وَ اسْتَزَلَّتْهُمْ الْكِبْرِيَاءُ (خطبه ۹۵)	تکبر و خودپسندی
۳۸	وَ اسْتَحَفَّتْهُمْ الْجَاهِلِيَّةُ الْجَاهِلِيَّةُ حَيَارَى فِي زَلْزَالٍ مِنَ الْأَمْرِ (خطبه ۹۵)	بی‌انگیزه و بی‌هدف
۳۹	وَ بَلَاءٍ مِنَ الْجَهْلِ (خطبه ۹۵)	جهل و نادانی
۴۰	فَبَالَغَ (صلى الله عليه وآله) فِي النَّصِيحَةِ وَ مَضَى عَلَى الطَّرِيقَةِ (خطبه ۹۵)	حرکت در راه حق
۴۱	وَ دَعَا إِلَى الْحِكْمَةِ وَ الْمُوعِظَةَ الْحَسَنَةَ (خطبه ۹۵)	پذیرش موعظه
۴۲	أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ الْعَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا (خطبه ۱۰۴)	بی‌سوادی
۴۳	وَ لَا يَدْعَى نُبُوَّةً وَ لَا وَحْيًا (خطبه ۱۰۴)	عدم حضور حجت
۴۴	فَقَاتَلَ بِمَنْ أَطَاعَهُ مِنْ عَصَاهُ (خطبه ۱۰۴)	مبارزه با نافرمانی
۴۵	يَسُوقُهُمْ إِلَى مَنَاجِبِهِمْ وَ يَبَادِرُ بِهِمْ السَّاعَةَ أَنْ تَنْزِلَ بِهِمْ (خطبه ۱۰۴)	پیروی از امام حق
۴۶	فَعِنْدَ ذَلِكَ أَخَذَ الْبَاطِلُ مَاخِذَهُ (خطبه ۱۰۸)	ریشه کردن باطل
۴۷	وَ رَكِبَ الْجَهْلُ مَرَائِبَهُ (خطبه ۱۰۸)	جهل و نادانی
۴۸	وَ عَظَمَتِ الطَّاعِيَةُ (خطبه ۱۰۸)	بزرگی قدرت طاغوت
۴۹	وَ قَلَّتِ الدَّاعِيَةُ (خطبه ۱۰۸)	کم بودن دعوت- کنندگان به حق
۵۰	وَ صَالَ الدَّهْرُ صِيَالِ السَّبْعِ الْعُقُورِ وَ هَدَرَ فَنِيْقُ الْبَاطِلِ بَعْدَ كُطُومِ (خطبه ۱۰۸)	حاکم بودن باطل
۵۱	وَ تَوَاحَى النَّاسُ عَلَى الْفُجُورِ (خطبه ۱۰۸)	پیمان بستن بر گناه
۵۲	وَ تَهَاجَرُوا عَلَى الدِّينِ وَ تَحَابُّوا عَلَى الْكُذِبِ وَ تَبَاغَضُوا عَلَى الصِّدْقِ (خطبه ۱۰۸)	دوری از دین، دوستی بر اساس کذب، (فساد در اعتقادات)
۵۳	فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ كَانَ الْوَلَدُ غَيْطًا (خطبه ۱۰۸)	گسستگی خانواده
۵۴	وَ الْمَطَرُ قَيْطًا وَ تَفِيضُ اللَّثَامِ قَيْضًا وَ تَغِيضُ الْكِرَامِ غَيْضًا (خطبه ۱۰۸)	وارونگی ارزش‌ها
۵۵	وَ كَانَ أَهْلُ ذَلِكَ الرِّمَانِ ذَنَابًا وَ سَلَاطِينُهُ سَبَاعًا وَ أَوْسَاطُهُ أَكَالًا (خطبه ۱۰۸)	فساد در سیاست



نادیده گرفتن فقرا	وَ فُقَرَاؤُهُ أَمْوَاتًا (خطبه ۱۰۸)	۵۶
فزونی کذب نفاق و دورویی بی- عفتی (فساد در اخلاق)	وَ غَارَ الصِّدْقُ وَ فَاضَ الكَذِبُ وَ اسْتُعْمِلَتِ المَوَدَّةُ بِالسَّانِ وَ تَشَاجَرَ النَّاسُ بِالْقُلُوبِ وَ صَارَ المُسَوِّقُ نَسْبًا وَ العَاقِفُ عَجَبًا (خطبه ۱۰۸)	۵۷
وارونگی اصول	وَ لَيْسَ الإِسْلَامُ لُبْسَ القَرَوِ مَقْلُوبًا (خطبه ۱۰۸)	۵۸
پنهان بودن حق و ظهور باطل	وَ إِنَّهُ سَبَّأَتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ أُخْفِيَ مِنَ الحَقِّ وَ لَا أَظْهَرَ مِنَ البَاطِلِ وَ لَا أَكْثَرَ مِنَ الكَذِبِ عَلَى اللَّهِ وَ رَسُولِهِ (خطبه ۱۴۷)	۵۹
امر به منکر و نهی از معروف	وَ لَا فِي البِلَادِ شَيْءٌ أَنْكَرَ مِنَ المَعْرُوفِ وَ لَا أَعْرَفَ مِنَ المُنْكَرِ (خطبه ۱۴۷)	۶۰
بهره‌گیری از قوانین الهی مهجور بودن مومن و قوانین الهی مطرود بودن حق و تابعان آن	فَقَدْ نَبَذَ الكِتَابَ حَمَلْتُهُ وَ تَنَاسَاهُ حَقَطْتُهُ فَالْكِتَابُ يَوْمِيذٍ وَ أَهْلُهُ طَرِيدَانِ مُنْفِيَانِ وَ صَاحِبَانِ مُصْطَجِبَانِ فِي طَرِيقِ وَاحِدٍ لَا يُؤْوِيهِمَا مَوْوٍ فَالْكِتَابُ وَ أَهْلُهُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ لَيْسَا فِيهِمْ وَ مَعَهُمْ وَ لَيْسَا مَعَهُمْ (خطبه ۱۴۷)	۶۱
تفرقه	لِأَنَّ الصَّلَاةَ لَا تُوَفِّقُ إِلَهْدَى وَ إِنْ اجْتَمَعَا فَاجْتَمَعَ القَوْمُ عَلَى الفُرْقَةِ وَ افْتَرَقُوا عَلَى الجَمَاعَةِ (خطبه ۱۴۷)	۶۲
تهمت	وَ سَمَّوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فِرْيَةً (خطبه ۱۴۷)	۶۳
وجود تفرقه	فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ (خطبه ۱۹۲)	۶۴
رهایی از طاغوت	قَدْ تَرَبَّعَتِ الأُمُورُ بِهِمْ فِي ظِلِّ سُلْطَانٍ قَاهِرٍ وَ أَوْتَهُمُ الحَالُ إِلَى كَنَفِ عَزِّ غَالِبٍ وَ تَعَطَّفَتِ الأُمُورُ عَلَيْهِمْ فِي دَرَى مُلْكٍ ثَابِتٍ فَهَمُّ حُكَّامٍ عَلَى العَالَمِينَ وَ مُلُوكٍ فِي أَطْرَافِ الأَرْضِينَ يَمْلِكُونَ الأُمُورَ عَلَى مَنْ كَانَ يَمْلِكُهَا عَلَيْهِمْ وَ يَمْضُونَ الأَحْكَامَ فِيمَنْ كَانَ يَمْضِيهَا فِيهِمْ لَا تُنْمَرُ لَهُمْ فَنَاءٌ وَ لَا تُنْقَرَعُ لَهُمْ صَفَاءٌ (خطبه ۱۹۲)	۶۵
سستی پیمان ، نفاق	أَخْلَافَكُمْ دِقَاقٍ وَ عَهْدَكُمْ شِقَاقٍ وَ دِينَكُمْ نِفَاقٍ وَ مَاؤُكُمْ رُعَاقٍ (خطبه ۱۳)	۶۶
سبک عقلی	حَفَّتْ عُقُولُكُمْ وَ سَفِهَتْ حُلُومُكُمْ (خطبه ۱۴)	۶۷
چنگ زدن به ریسمان الهی داشتن وحدت رویه	تَرَدُّ عَلَى أَحَدِهِمُ القَضِيَّةُ فِي حُكْمٍ مِنَ الأَحْكَامِ فَيُحَكَّمُ فِيهَا بِرَأْيِهِ ثُمَّ تَرَدُّ تِلْكَ القَضِيَّةُ بَعَيْنَيْهَا عَلَى غَيْرِهِ فَيُحَكَّمُ فِيهَا بِخِلَافِ قَوْلِهِ ثُمَّ يَجْتَمِعُ القَضَاءُ بِذَلِكَ عِنْدَ الإِمَامِ الَّذِي اسْتَقْضَاهُمْ فَيَصُوبُ أَرَءَاهُمْ جَمِيعًا وَ إِلَهُهُمْ وَاحِدٌ وَ نَبِيِّهُمْ وَاحِدٌ وَ	۶۸



	کِتَابُهُمْ وَاحِدًا فَأَمَرَهُمُ اللَّهُ سُجَّانَهُ بِالْإِخْتِلَافِ فَأَطَاعُوهُ أَمْ نَهَاَهُمْ عَنْهُ فَعَصَوْهُ (خطبه ۱۸)	
نافرمانی امام برحق خیانت به امام	وَ اللَّهُ لَا ظُلْمَ أَنْ هُوَ لَاءِ الْقَوْمِ سَيِّدُ الْوَنِّ مِنْكُمْ بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَقَرُّوْكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ وَ بِأَدَائِهِمْ الْأَمَانَةَ إِلَى صَاحِبِيهِمْ وَ خِيَانَتِكُمْ وَ بَصَالِحِهِمْ فِي بِلَادِهِمْ وَ فَسَادِكُمْ (خطبه ۲۵)	۶۹
تفرقه در حق و اجتماع در باطل	بِاجْتِمَاعِهِمْ عَلَى بَاطِلِهِمْ وَ تَقَرُّوْكُمْ عَنْ حَقِّكُمْ وَ بِمَعْصِيَتِكُمْ إِمَامَكُمْ فِي الْحَقِّ وَ طَاعَتِهِمْ إِمَامَهُمْ فِي الْبَاطِلِ (خطبه ۲۵)	۷۰
عدم پیروی از امام بر- حق	مُنِيْتُ بِمَنْ لَا يَطِيعُ إِذَا أَمَرْتُ وَ لَا يَجِيبُ إِذَا دَعَوْتُ (خطبه ۳۹)	۷۱
بی‌دینی و تفرقه	لَا أَبَالِكُمْ مَا تَنْتَظِرُونَ بِنَصْرِكُمْ رَبِّكُمْ أَمَا دِينَ يُجْمَعُكُمْ (خطبه ۳۹)	۷۲
بی‌غیرتی	وَ لَا حِمِيَةَ تُحْمِسُكُمْ أَقْوَمُ فَيْكُمْ مُسْتَضْرِحًا (خطبه ۳۹)	۷۳
نافرمانی	وَ أَنَادِيكُمْ مُتَعَوِّثًا فَلَا تَسْمَعُونَ لِي قَوْلًا وَ لَا تُطِيعُونَ لِي أَمْرًا حَتَّى تَكْشِفَ الْأُمُورَ عَنْ عَوَاقِبِ الْمَسَاءَةِ فَمَا يَدْرِكُ بِكُمْ نَارٌ وَ لَا يَبْلُغُ بِكُمْ مَرَامٌ دَعَوْتُكُمْ إِلَى نَصْرِ إِخْوَانِكُمْ فَجَزَجْتُمْ جَزَجَةَ الْجَمَلِ الْأَسْرِّ وَ تَنَاقَلْتُمْ تَنَاقُلَ النَّضْوِ الْأَدْبَرِ ثُمَّ خَرَجَ إِلَى مِنْكُمْ جُنَيْدٌ مُتْدَائِبٌ ضَعِيفٌ كَأَنَّمَا يَسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَ هُمْ يَنْظُرُونَ (خطبه ۳۹)	۷۴
پشت سر نهادن حق	لَكَيْتُكُمْ نَهْتُمْ مَتَاهَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ لَعَمْرِي لَيَضَعَنَّ لَكُمْ التَّيْهَ مِنْ بَعْدِي أَسْعَافًا بِمَا خَلَفْتُمْ الْحَقَّ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَ قَطَعْتُمْ الْأَدْنَى وَ وَصَلْتُمْ الْأَبْعَدَ (خطبه ۱۶۶)	۷۵
پیروی هوای نفس،- ظهور فتنه	إِنَّمَا بَدَأَ وَقُوعِ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ (خطبه ۵۰)	۷۶
بدعت	وَ أَحْكَامٌ تُبَدِّعُ بِخَالْفِ فِيهَا كِتَابُ اللَّهِ (خطبه ۵۰)	۷۷
تسلط شیطان آمیختگی حق و باطل پیروی باطل مخالفت با قوانین- الهی	وَ يَتَوَلَّى عَلَيْهَا رِجَالُ رِجَالًا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَوْ أَنَّ الْبَاطِلَ خَلَصَ مِنْ مِرَاجِ الْحَقِّ لَمْ يَخْفَ عَلَى الْمُزْتَادِينَ وَ لَوْ أَنَّ الْحَقَّ خَلَصَ مِنْ لَبْسِ الْبَاطِلِ انْقَطَعَتْ عَنْهُ الْأَسْنُ الْمُعَانِدِينَ وَ لَكِنْ يُؤْخَذُ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ وَ مِنْ هَذَا ضِغْتٌ فَيَمْرَجَانِ فَهُنَالِكَ يَسْتَوْلِي الشَّيْطَانُ عَلَى أَوْلِيَائِهِ (خطبه ۵۰)	۷۸
شناخت دقیق باطل و ناآگاهی نسبت به حق	لَا تَعْرِفُونَ الْحَقَّ كَمَعْرِفَتِكُمُ الْبَاطِلَ وَ لَا تَبْطُلُونَ الْبَاطِلَ كَابْطَالِكُمُ الْحَقِّ (خطبه ۶۹)	۷۹

پند پذیری	وَ فِي دُونِ مَا اسْتَفْلَيْتُمْ مِنْ عَتَبٍ وَ مَا اسْتَدْبَرْتُمْ مِنْ خَطْبٍ مُعْتَبِرٍ (خطبه ۸۸)	۸۰
عدم پیروی از امام برحق و پیروی از شهوات خودرایی	فَبَا عَجَبًا وَ مَا لِي لَا أَعْجِبُ مِنْ خَطْبِ هَذِهِ الْفَرَقِ عَلَى اخْتِلَافِ حُجَجِهَا فِي دِينِهَا لَا يَفْتَضُونَ أَثَرَ نَبِيِّ وَ لَا يَقْتَدُونَ بِعَمَلِ وَصِيِّ وَ لَا يُؤْمِنُونَ بِغَيْبٍ وَ لَا يَعْقُونَ عَنْ غَيْبٍ يَعْمَلُونَ فِي الشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ الْمَعْرُوفِ فِيهِمْ مَا عَرَفُوا وَ الْمُنْكَرِ عِنْدَهُمْ مَا أَنْكَرُوا مَفْرَعُهُمْ فِي الْمَعْضَلَاتِ إِلَى أَنْفُسِهِمْ وَ تَعْوِيلُهُمْ فِي الْمُهَيَّمَاتِ عَلَى آرَائِهِمْ كَأَنَّ كُلَّ امْرئٍ مِنْهُمْ إِمَامٌ نَفْسِهِ قَدْ أَخَذَ مِنْهَا فِيمَا يَرَى يُعْرَى ثَقَاتٍ وَ أَسْبَابٍ مُحْكَمَاتٍ (خطبه ۸۸)	۸۱
خواری بردگان آزار همسایگان (فساد در کرامتهای انسانی)	وَ قَدْ بَلَّغْتُمْ مِنْ كَرَامَةِ اللَّهِ تَعَالَى لَكُمْ مَنزِلَةً نُكْرِمُ بِهَا إِمَاؤَكُمْ وَ نُوَصِّلُ بِهَا جِيرَانَكُمْ وَ يَعْظُمُكُمْ مَنْ لَا فَضْلَ لَكُمْ عَلَيْهِ وَ لَا يَدَ لَكُمْ عِنْدَهُ وَ يَهَابُكُمْ مَنْ لَا يَخَافُ لَكُمْ سَطْوَةً وَ لَا لَكُمْ عَلَيْهِ إِمْرَةً (خطبه ۱۰۶)	۸۲
بی‌غیرتی و بی‌تفاوتی نسبت به شکسته شدن عهد الهی	وَ قَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَغْضَبُونَ وَ أَنْتُمْ لِتَقْضِ دِمَمِ آبَائِكُمْ تَأْتُونَ (خطبه ۱۰۶)	۸۳
تسلط طاغوت و پیروی از آن	وَ كَانَتْ أُمُورُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ تَرْدٌ وَ عَنْكُمْ تَصَدُّرٌ وَ إِلَيْكُمْ تَرْجِعُ فَمَكَّنْتُمْ الظَّلَمَةَ مِنْ مَنزِلَتِكُمْ وَ أَلْقَيْتُمْ إِلَيْهِمْ أَرْمَتَكُمْ وَ أَسْلَمْتُمْ أُمُورَ اللَّهِ فِي أَيْدِيهِمْ يَعْمَلُونَ بِالشُّبُهَاتِ وَ يَسِيرُونَ فِي الشَّهَوَاتِ وَ إِيْمَ اللَّهِ لَوْ فَرَّقَوْكُمْ تَحْتَ كُلِّ كَوْكَبٍ لَجَمَعَكُمْ اللَّهُ لِيَسَّرَ يَوْمَ لَهُمْ (خطبه ۱۰۶)	۸۴
استقامت در پیروی از امام	أَمَا وَ اللَّهُ لَوْ أَنِّي جِئْتُكُمْ بِهَمْزِكُمْ بِهَمْزِكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا فَإِنْ اسْتَقَمْتُمْ هَدَيْتُكُمْ وَ إِنْ اعْوَجَجْتُمْ قَوْمْتُمْ وَ إِنْ أَبَيْتُمْ تَدَارَكْتُكُمْ لَكَانَتْ الْوُتْقَى (خطبه ۱۲۱)	۸۵
بی‌عدالتی	أَيُّهَا النُّفُوسُ الْمُحْتَلِفَةُ وَ الْقُلُوبُ الْمُسْتَسْتَنَّةُ الشَّاهِدَةُ أَبْدَانُهُمْ وَ الْعَائِبَةُ عَنْهُمْ عُقُوبُهُمْ أَطَارِكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَنْتُمْ تَنْهَوْنَ عَنْهُ نُفُورَ الْمِعْرَى مِنْ وَعْوَعَةِ الْأَسَدِ هَيْهَاتَ أَنْ أُطَلَعَ بِكُمْ سِرَارَ الْعَدْلِ أَوْ أُفِيْمَ اعْوَجَاجَ الْحَقِّ (خطبه ۱۳۱)	۸۶
حقد و کینه ، حب دنیا دزدی سرگردانی (عدم وجود فضایل اخلاقی)	قَدْ اضْطَلَحْتُمْ عَلَى الْغُلِّ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ تَبَّتْ الْمَرْعَى عَلَى دِمَائِكُمْ وَ تَصَافَيْتُمْ عَلَى حُبِّ الْأَمْوَالِ وَ تَعَادَيْتُمْ فِي كَسْبِ الْأَمْوَالِ لَقَدْ اسْتَهَامَ بِكُمْ الْخَبِيثُ وَ تَاهَ بِكُمْ الْعُرُورُ وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى نَفْسِي وَ أَنْفُسِكُمْ (خطبه ۱۳۳)	۸۷
جهل نسبت به خدا	وَ لَا تَكُونُوا كَجَفَاهِ الْجَاهِلِيَّةِ لَا فِي الدِّينِ يَتَفَقَهُونَ وَ لَا عَنِ اللَّهِ يَعْقِلُونَ كَفَيْضِ بَيْضٍ فِي أَدَاغٍ يَكُونُ كَسْرُهَا وَرْزًا وَ يَخْرُجُ حِضَانُهَا سَرًّا (خطبه ۱۶۶)	۸۸



۸۹	ایهَا النَّاسُ... وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِنْ اتَّبَعْتُمْ الدَّاعِيَ لَكُمْ سَلَكَ بِكُمْ مِنْهَا جِزْيَةَ الرُّسُولِ وَ كُفَيْتُمْ مَثْوَنَةَ الإِغْتِسَافِ وَ تَبَذُّتُمْ الثَّقَلَ الفَادِحَ عَنِ الأَعْتَاقِ (خطبه ۱۶۶)	پیروی از امام برحق
۹۰	وَ اعْلَمُوا رَحِمَكُمُ اللّهُ أَنَّهُ فِي زَمَانِ القَائِلِ فِيهِ بِالْحَقِّ قَلِيلٌ وَ اللِّسَانُ عَنِ الصِّدْقِ كَلِيلٌ وَ الأَلْزَمُ لِلْحَقِّ ذَلِيلٌ أَهْلُهُ مُعْتَكِفُونَ عَلَى العُضْيَانِ مُصْطَلِحُونَ عَلَى الإِذْهَانِ فَتَاهُمْ عَارِمٌ وَ شَسَائِبُهُمْ آئِمٌ وَ عَالِمُهُمْ مُنَافِقٌ وَ قَارِنُهُمْ مُمَازِقٌ لَا يَعْظُمُ صَغِيرُهُمْ كَبِيرُهُمْ وَ لَا يَعْوَلُ غَنِيَّهُمْ فَقِيرُهُمْ (خطبه ۲۳۳)	اندک بودن حق گویی رواج کذب، خواری حق، اقامت برکذب ، انفاق نکردن
۹۱	وَ تَدَبَّرُوا أحوَالَ المَاضِينَ مِنَ المُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ كَيْفَ كَانُوا فِي حَالِ التَّمَجِيسِ وَ البَلَاءِ أَلَمْ يَكُونُوا أَثْقَلَ الخَلَائِقِ أَعْبَاءً وَ أَجْهَدَ العِبَادِ بَلَاءً وَ أَصْبَحَ أَهْلُ الدُّنْيَا حَالًا اتَّخَذَتْهُمُ الفِرَاعِينَةُ عبيدًا فَسَامُوهُمُ سُوءَ العَذَابِ وَ جَزَعُوهُمُ المُرَارَ فَلَمْ يَبْرَحِ الحَالُ بِهِمْ فِي ذُلِّ الهَلَكَةِ وَ قَهْرِ العَلْبَةِ لَا يَجِدُونَ حِيلَةً فِي امْتِنَاعٍ وَ لَا سَبِيلًا إِلَى دِفَاعٍ (خطبه ۱۹۲)	بند گرفتن ، اتحاد- داشتن ، تفرقه و پراکندگی سکوت در برابر ستم و طاغوت
۹۲	أَلَا وَ إِنَّكُمْ قَدْ نَفَضْتُمْ أَيْدِيَكُمْ مِنَ حَبْلِ الطَّاعَةِ وَ تَلَمَّتُمْ حِصْنَ اللّهِ المَضْرُوبَ عَلَيْكُمْ بِأحكامِ الجَاهِلِيَّةِ فَإِنَّ اللّهُ سُبْحَانَهُ قَدْ امْتَنَ عَلَى جَمَاعَةٍ هَذِهِ الأُمَّةِ فِيمَا عَقَدَ بَيْنَهُمْ مِنْ حَبْلِ هَذِهِ الأَلْفَةِ الَّتِي يَنْتَقِلُونَ فِي طَلِّهَا وَ يَأْوُونَ إِلَى كَنَفِهَا بِنِعْمَةٍ لَا يَعْرِفُ أَحَدٌ مِنَ المَخْلُوقِينَ لَهَا قِيمَةً لِأَنَّهَا أَرْجَحُ مِنْ كُلِّ ثَمَنِ وَ أَجَلٌ مِنْ كُلِّ حَظَرٍ (خطبه ۱۹۲)	اجتناب از تفرقه
۹۴	وَ أَطْبَاقِ جَهْلٍ مِنْ بَنَاتِ مَوْءُودَةَ (خطبه ۱۹۲)	زنده به گور کردن دختران
۹۵	وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ صِرْتُمْ بَعْدَ الهِجْرَةِ أَعْرَابًا وَ بَعْدَ المُوَالَاةِ أَحْزَابًا (خطبه ۱۹۲)	تفرقه
۹۶	فَالأَحْوَالُ مُصْطَرِبَةٌ وَ الأَيْدِي مُخْتَلِفَةٌ... وَ أَرْحَامٍ مَقْطُوعَةٍ (خطبه ۱۹۲)	قطع رحم
۹۷	فَإِنَّ اللّهُ سُبْحَانَهُ لَمْ يَلْعَنِ القَرْنَ المَاضِيَ بَيْنَ أَيْدِيكُمْ إِلَّا لِتَرْكِهِمُ الأَمْرَ بِالمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ المُنْكَرِ فَالْعَنَ اللّهُ السُّفَهَاءَ لِرُكُوبِ المَعَاصِي وَ الحُلَمَاءَ لِتَرْكِ التَّنَاهِي (خطبه ۱۹۲)	ترک امر به معروف و نهی از منکر
۹۸	أَمَّا بَعْدُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ أَنَّهُمْ مَنَعُوا النَّاسَ الحَقَّ فَاسْتَرَوْهُ وَ أَخَذُوهُمْ بِالبَاطِلِ فَاقْتَدَوْهُ (نامه ۷۹)	فرو نهادن حق و پیروی باطل بدون آگاهی
۹۹	إِنَّ اللّهُ بَعَثَ مُحَمَّدًا (صلى الله عليه وآله) وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِنَ العَرَبِ يَقْرَأُ كِتَابًا وَ لَا يَدْعِي نُبُوَّةَ (خطبه ۳۳)	بی سوادى دور بودن از قوانین الهی



جهل و بت پرستی	وَ اصْطَفَىٰ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ اَنْبِيَاءَ اَخَذَ عَلٰى الْوَحٰى مِيثَاقَهُمْ وَ عَلٰى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ اَمَاتَهُمْ لَمَّا بَدَّلَ اَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللّٰهِ اِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ وَ اتَّخَذُوا الْاَنْدَادَ مَعَهُ (خطبه ۱)	۱۰۰
عدم شناخت خدا و پیروی شیطان	وَ اجْتَالَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَ اقْتَطَعَتْهُمُ عَنْ عِبَادَتِهِ (خطبه ۱)	۱۰۱
فراموشی نعمت‌ها	وَ قَبَعَتْ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاْتَرَ اِلَيْهِمْ اَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَاذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يَثْبُرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ وَ يَرْوُهُمْ اَيَاتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقِهِمْ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشٍ تُحْيِيهِمْ وَ اَجَالَ تَقْنِيهِمْ وَ اَوْصَابٍ تُهْرِمُهُمْ وَ اَخْدَاثٍ تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ (خطبه ۱)	۱۰۲
وجود فرقه‌های ضاله و متفاوت	وَ اَهْلُ الْاَرْضِ يَوْمِنِذٍ مِلَّةٌ مُتَفَرِّقَةٌ وَ اَهْوَاءٌ مُنْتَشِرَةٌ وَ طَرَائِقُ مُتَشَتَّةٌ بَيْنَ مُشَبِّهِ لِلّٰهِ بِخَلْقِهِ اَوْ مُلْجِدٍ فِي اسْمِهِ اَوْ مُشِيرٍ اِلٰى غَيْرِهِ فَهَدَاهُمْ بِهٖ مِنَ الضَّلَالَةِ وَ اَنْقَذَهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَالَةِ (خطبه ۱)	۱۰۳
پشت کردن به نیکی‌ها و رو آوردن به شر	وَ قَدْ اَضْبَحْتُمْ فِي زَمَنِ لَا يَزِدَادُ الْخَيْرُ فِيهِ اِلَّا اِدْبَارًا وَ لَا الشَّرُّ فِيهِ اِلَّا اِقْبَالَا (خطبه ۱۲۹)	۱۰۴
جهل به حقوق الهی	وَ اصْطَفَىٰ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ اَنْبِيَاءَ اَخَذَ عَلٰى الْوَحٰى مِيثَاقَهُمْ وَ عَلٰى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ اَمَاتَهُمْ (خطبه ۱)	۱۰۵
به باطل کشاندن عهد الهی، باز داشته شدن از معرفت الهی بریده شدن رابطه انسانها با معبود حقیقی، پراکندگی ملت‌ها، تعدد روش‌های زندگی پذیرش هدایت الهی برای رهایی از جهالت	وَ اصْطَفَىٰ سُبْحَانَهُ مِنْ وَلَدِهِ اَنْبِيَاءَ اَخَذَ عَلٰى الْوَحٰى مِيثَاقَهُمْ وَ عَلٰى تَبْلِيغِ الرِّسَالَةِ اَمَاتَهُمْ لَمَّا بَدَّلَ اَكْثَرُ خَلْقِهِ عَهْدَ اللّٰهِ اِلَيْهِمْ فَجَهِلُوا حَقَّهُ وَ اتَّخَذُوا الْاَنْدَادَ مَعَهُ وَ اجْتَالَتْهُمُ الشَّيَاطِينُ عَنْ مَعْرِفَتِهِ وَ اقْتَطَعَتْهُمُ عَنْ عِبَادَتِهِ فَبَعَثَ فِيهِمْ رُسُلَهُ وَ وَاْتَرَ اِلَيْهِمْ اَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَاذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذْكُرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يَثْبُرُوا لَهُمْ دَقَائِنَ الْعُقُولِ وَ يَرْوُهُمْ اَيَاتِ الْمَقْدِرَةِ مِنْ سَقْفِ فَوْقِهِمْ مَرْفُوعٍ وَ مِهَادٍ تَحْتَهُمْ مَوْضُوعٍ وَ مَعَايِشٍ تُحْيِيهِمْ وَ اَجَالَ تَقْنِيهِمْ وَ اَوْصَابٍ تُهْرِمُهُمْ وَ اَخْدَاثٍ تَتَابَعُ عَلَيْهِمْ وَ لَمْ يَخُلِ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ خَلْقَهُ مِنْ نَبِيٍّ مَّرْسَلٍ اَوْ كِتَابٍ مُنْزَلٍ اَوْ حُجَّةٍ لَازِمَةٍ اَوْ مَحَجَّةٍ قَائِمَةٍ رُسُلٌ لَا تَقْصُرُ بِهِمْ قِلَّةٌ عَدَدِهِمْ وَ لَا كَثْرَةُ الْمُكْذِبِينَ لَهُمْ مِنْ سَابِقِ سَمٰى لَهُ مِنْ بَعْدِهِ اَوْ غَابِرٍ عَرَفَهُ مَنْ قَبْلَهُ عَلٰى ذٰلِكَ نَسَلَتِ الْقُرُونُ وَ مَضَتِ الدُّهُورُ وَ سَلَفَتِ الْاِيْمَاءُ وَ خَلَفَتِ الْاَبْنَاءُ اِلٰى اَنْ بَعَثَ اللّٰهُ سُبْحَانَهُ مُحَمَّدًا رَسُوْلًا اللّٰهُ (صلى الله عليه وآله وسلم) لِاِنْجَارِ عِدَّتِهِ وَ اِثْمَامِ نُبُوْتِهِ مَاخُوْذًا عَلٰى النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُ مَشْهُورَةً بِسَمَانِهِ كَرِيْمًا مِيْلَادُهُ وَ اَهْلُ الْاَرْضِ يَوْمِنِذٍ مِلَّةٌ مُتَفَرِّقَةٌ وَ اَهْوَاءٌ مُنْتَشِرَةٌ وَ طَرَائِقُ مُتَشَتَّةٌ بَيْنَ مُشَبِّهِ لِلّٰهِ بِخَلْقِهِ اَوْ مُلْجِدٍ فِي	۱۰۶



	اسمیه أو مُشِيرٍ إِلَىٰ غَيْرِهِ فَهَذَا هُمْ بِهِ مِنَ الضَّالَّةِ وَ اتَّقَدَّهُمْ بِمَكَانِهِ مِنَ الْجَهَائِلَةِ (خطبه ۱)	
تسلط شیطان و پیروی از او	لَا الشَّيْطَانُ فِي هَالِكِ النَّاسِ إِلَّا طَمَعًا فَهَذَا أَوَانٌ قَوِيْتُ عُدَّتُهُ وَ عَمَّتْ مَكِيدَتُهُ وَ أَمَكَنْتْ فَرِيَسَتُهُ (خطبه ۱۲۹)	۱۰۷
شیوع فقر	وَ اضْرَبْ بِطَرْفِكَ حَيْثُ شِئْتُمْ مِنَ النَّاسِ فَهَلْ تُبْصِرُ إِلَّا فُقِيرًا يَكَايِدُ فَقْرًا (خطبه ۱۲۹)	۱۰۸
کفران نعمت ، بخل و جمع آوری ثروت	أَوْ غَنِيًّا بَدَلَ نِعْمَةِ اللَّهِ كُفْرًا أَوْ بِخِيَالًا اتَّخَذَ الْبُهْلُ بِحَقِّي اللَّهِ وَفِرًا (خطبه ۱۲۹)	۱۰۹
نبود گوش شنوا	أَوْ مُتَمَرِّدًا كَأَنَّ بِأُذُنِهِ عَن سَمْعِ الْمَوَاعِظِ وَفِرًا - (خطبه ۱۲۹)	۱۱۰
عدم حضور حجت ، دوری از نیکی‌ها و غرق در جهل	أُرْسِلَهُ عَلَىٰ حِينِ فِتْنَةٍ مِنَ الرُّسُلِ وَ هَفْوَةٍ عَنِ الْعَمَلِ وَ غَبَاوَةٍ مِنَ الْأَمَمِ (خطبه ۹۴)	۱۱۱
شیوع جنگ و خونریزی	وَ ذَلِكَ إِذَا قَلَصَتْ حَزْبُكُمْ وَ شَمَرْتُمْ عَن سَاقٍ وَ صَاقَتِ الدُّنْيَا عَلَيْكُمْ ضَيْقًا تَسْتَطِيلُونَ مَعَهُ أَيَّامَ الْبَلَاءِ عَلَيْكُمْ حَتَّىٰ يَفْتَحَ اللَّهُ لِيَقْبِيَةِ الْأَبْرَارِ مِنْكُمْ (خطبه ۹۳)	۱۱۲
بدعت و فتنه‌های گمراه کننده	إِنَّ الْفِتْنََ إِذَا أَقْبَلَتْ شَجَبَتْ وَ إِذَا أَدْبَرَتْ تَبَهَّتْ يَنْكَرُنَ مُقْبِلَاتٍ وَ يَعْرِفُنَ مُدْبِرَاتٍ يَحْمُنُ حَوْمَ الرِّيَّاحِ بِصَبْنٍ بَلَدًا وَ يَخْطِئُنَ بَلَدًا (خطبه ۹۳)	۱۱۳
وارونگی ارزش‌ها کمیابی مال حلال	أَلَا يَا بِي وَ أُمِّي هُمْ مِنْ عِدَّةِ أَسْمَاؤُهُمْ فِي السَّمَاءِ مَعْرُوفَةٌ وَ فِي الْأَرْضِ مَجْهُولَةٌ أَلَا فَتَوَقَّعُوا مَا يَكُونُ مِنْ إِذْبَارِ أُمُورِكُمْ وَ انْقِطَاعِ وَصْلِكُمْ وَ اسْتِئْثَمَالِ صِغَارِكُمْ ذَلِكَ حَيْثُ تَكُونُ ضَرْبَةُ السَّيْفِ عَلَى الْمُؤْمِنِ أَهْوَنَ مِنَ الدَّزْهِمِ مِنْ جِلِّهِ ذَلِكَ حَيْثُ يَكُونُ الْمُعْطَىٰ أَكْبَرَ مِنْ الْمُعْطَىٰ ذَلِكَ حَيْثُ تَشْكُرُونَ مِنْ غَيْرِ شَرَابٍ بَلْ مِنَ النَّعْمَةِ وَ التَّعْيِيمِ وَ تَحْلِفُونَ مِنْ غَيْرِ اضْطِرَارٍ وَ تَكْذِبُونَ مِنْ غَيْرِ إِخْرَاجِ ذَلِكَ إِذَا عَصَّكُمْ الْبَلَاءُ كَمَا يَعْصُ الْقَتْبُ غَارِبَ الْبَعِيرِ مَا أَطْوَلَ هَذَا الْعَنَاءُ وَ أَبْعَدَ هَذَا الرَّجَاءُ (خطبه ۱۸۷)	۱۱۴
عدم پیروی از امام برحق عدم روشنگری و بینایی	أَيُّهَا النَّاسُ أَلْقُوا هَذِهِ الْأَرْمَةَ الَّتِي تَحْمِلُ ظُهُورَهَا الْأَثْقَالَ مِنْ أَيْدِيكُمْ وَ لَا تَصَدَّعُوا عَلَىٰ سُلْطَانِكُمْ فَتَنْدُمُوا غَيْبَ فِعَالِكُمْ وَ لَا تَقْتَحِمُوا مَا اسْتَقْبَلْتُمْ مِنْ قَوْرِ نَارِ الْفِتْنَةِ وَ أَمِيطُوا عَن سَنَنِهَا وَ خَلُّوا قَصْدَ السَّبِيلِ لَهَا فَقَدْ لَعَمْرِي يَهْلِكُ فِي لَهْيِهَا الْمُؤْمِنُ وَ يَسْلَمُ فِيهَا غَيْرُ الْمُسْلِمِ إِنَّمَا مَتَلَىٰ بَيْنَكُمْ كَمَثَلِ السَّرَاجِ فِي الظُّلْمَةِ يَسْتَضِيءُ بِهِ مَنْ وَلَجَهَا فَاسْمَعُوا أَيُّهَا النَّاسُ وَ عَوَا وَ أَحْضِرُوا آذَانَ قُلُوبِكُمْ تَقْفَهُمْ (خطبه ۱۸۷)	۱۱۵

در این مرحله از نظریه پردازی داده بنیاد، یک مقوله از مرحله کدگذاری باز انتخاب می گردد و در مرکز فرآیندی که در حال بررسی است به (عنوان پدیده مرکزی) قرار می گیرد و سپس، دیگر مقوله ها را به آن ربط داده می شود. (حکمیان: ۱۱)

در این الگو شش مقوله از اطلاعات وجود دارد:

- شرایط علی: مقوله هایی مربوط به شرایطی که بر مقوله محوری تأثیر می گذارند.
- زمینه: شرایط خاصی که بر راهبردها اثر می گذارند.
- مقوله محوری: یک صورت ذهنی از پدیده ای که اساس فرآیند است.
- شرایط مداخله گر: شرایط زمینه ای عمومی که بر راهبردها تأثیر می گذارند.
- راهبردها: کنش ها یا برهم کنش های خاصی که از پدیده محوری منتج می شود.
- پیامدها: خروجی های حاصل از استخدام راهبردها (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۲۲).

اقدامات اصلی در کدگذاری محوری چنین می باشد: ۱. بیان کردن ویژگی های یک مقوله و ابعاد آن. ۲. شناسایی شرایط گوناگون، کنش یا برهم کنش های گوناگون و پیامدهای گوناگون مربوط به یک پدیده. ۳. ربط دهی یک مقوله به زیر مقوله هایش؛ از طریق گزاره هایی که چگونگی ربط آنها به همدیگر را مطرح می کنند. ۴. جستجوی سرنخ هایی در داده ها که بر چگونگی ربط دهی های ممکن مقوله های اصلی به هم دلالت دارد (همان: ۲۰)

با توجه به پدیده مرکزی «جامعه جاهلی» و با برقراری پیوند میان مقولاتی که در کدگذاری باز بدست آمد یک ارتباط جدید کشف می گردد و با تجزیه و تحلیل مفاهیمی که از کدگذاری باز انتخاب شدند و دسته بندی و مقایسه عناوین استخراج شده از داده ها؛ مانند «جهل، بی سواد و نادانی، بی میلی به دانستن، بزرگداشت نادان و تحقیر عالم» ترکیب جدیدی بدست می آید که پژوهشگر آن را «بی ارزشی تققه و تعقل» نامیده است با ادامه این روند بین مقولات ارتباط برقرار می شود و مشخص می گردد که چگونه یک مقوله واحد با مقولات دیگر مرتبط است.

«این کار مستلزم صرف وقت و حوصله بسیار است، چرا که در ابتدا ارتباط بین آنها، چندان آشکار نیست، در واقع محقق خود را با انبوهی از داده های خام روبه رو می بیند که چندان به هم ربطی ندارند اما به زودی پیوندهای نامرئی آشکار خواهد شد و زیبایی روش نظریه داده بنیاد در این مرحله نهفته است» (مهرابی، ۱۳۹۰: ۲۱).

این مرحله نیازمند ترسیم یک نمودار است که « الگوی کدگذاری » نامیده می‌شود « الگوی کدگذاری » روابط بین شرایط علی، راهبردها، شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر و پیامد را نمایان می‌کند (حکیمیان : ۱۱). که در جدول شماره ۲ ترسیم گشته‌است.

جدول شماره ۲

مقوله	مفاهیم		پدیده محوری
بی‌ارزشی تقفه و تعقل	بی‌سوادی	جهل	جامعه جاهلی
	بی‌میلی به دانستن	نادانی	
	بزرگداشت نادان و تحقیر عالم		
حکومت غفلت و بی‌خبری	نبود گوش شنوا	غفلت	
	نبود روشنگری و بینایی	عدم تقفه	
سطحی‌نگری	سبک عقلی		
	همه‌گیری گمراهی	سرگردانی در گمراهی	
عدم پیروی از حجت الهی	نافرمانی	عدم پیروی از امام برحق	
	خیانت به امام حق		
برهم ریختگی امور اجتماعی	قطع رحم	گسستگی خانواده	
	گسستگی امور زندگی		
امتناع از پذیرفتن هدایت الهی	مهجور بودن قوانین الهی	کهنگی نشانه- های هدایت	
	باز ماندن از پذیرش حق		
سرازیر شدن در مسیل شهوات	پیروی از شهوات	پیروی از هوای- نفس	
	تسلط شیطان و پیروی از او		
شیوع منکرات و معصیت در جامعه	ترک امر به معروف و نهی از منکر	فزونی معصیت	
	عصیان خدا و پیروی شیطان	پیمان بستن بر	



		گناه
		بی‌عفتی
ظهور بدعت و فتنه در جامعه	بدعت و مخالفت با کتاب خدا	کورکورانه در فتنه رفتن
	فتنه‌های گمراه‌کننده	تعدد فرقه‌های ضاله
	ریشه کردن فتنه	ظهور فتنه
اضطراب عقیده (فساد در اعتقادات)	وارونگی اصول	سستی ایمان
	مخالفت با قوانین الهی	مہجور بودن قوانین الهی
	دوری از دین	مطرود بودن مومن
توکل و پشتوانه غیر الهی	سرگردانی	بی‌انگیزگی و بی‌هدفی
		افسردگی و ناامیدی
شیوع جنگ و خونریزی	فزایش ستم	شیوع جنگ
		حکومت خشنونت
شناخت نادرست معبود	بریدگی رابطه انسان با معبود حقیقی	جهل نسبت به معبود
	بازداشته شدن از معرفت الهی	بت پرستی
باطل‌گرایی	کم بودن دعوت کنندگان به حق	بازماندن از پذیرش حق
	مطرود بودن حق و پیروان آن	پنهان بودن حق و ظهور باطل
	فرو نهادن حق و پیروی باطل بدون آگاهی	ریشه کردن باطل
	پیروی باطل	حاکم بودن باطل
	خواری حق	پشت سر نهادن

جامعه خالصی

	حق	
	آمیختگی حق و باطل	شناخت دقیق باطل و ناآگاهی نسبت به حق
نفاق و تفرقه در جامعه	نفاق و دورویی	تفرقه در حق و اجتماع در باطل
	تفرقه و پراکندگی	پراکندگی ملتها
	بی دینی و تفرقه	
غیبت حجت الهی	خالی بودن جامعه از حجت الهی (خطبه ۲۴-۹۴)	
شیوع کذب و دروغ	اقامت بر کذب	فزونی کذب
	دوستی بر اساس کذب	رواج دروغ‌گویی
بهره‌گیری از قوانین الهی و پیروی از امام بر حق	همراه و یاور امام بودن	استفاده از نور هدایت مومن
	پذیرفتن هدایت الهی	پیروی از امام
	مبارزه با نافرمانی	استقامت در پیروی از امام
دوری از کرامت‌های انسانی	خواری زیر دستان	آزار همسایگان
	زننده به گوری دختران	
آخرت‌گرایی	بی‌ارزش دانستن دنیا	رهایی از دنیا
حق‌گرایی	حرکت در مسیر حق	
پندپذیری	پندگرفتن	پذیرفتن موعظه
اتحاد و یگانگی	اجتناب از تفرقه	ایجاد الفت و دوستی
	متحد شدن	چنگ زدن به ریسمان الهی
	دور کردن دشمنان از صحنه زندگی	
وارونگی ارزش‌ها	پشت کردن به خوبی‌ها رو آوردن به بدی‌ها	از حق در راه معصیت بهره بردن
	عوض شدن جایگاه نیکوکار با بدکار	

وجود فضایل غیراخلاقی	تفاخر	تکبر و خودپسندی
	زنده به گور کردن دختران	حقد و کینه
	بی‌غیرتی	دزدی
دنیاگرایی	وابستگی به ظواهر	حب دنیا
	دنیاگرایی	فراموشی آخرت
	ارزش شدن دنیا	طولانی بودن آرزوها
وضعیت نابسامان معیشتی و اقتصادی	انفاق نکردن	نادیده گرفتن فقرا
	جمع‌آوری ثروت	بی‌عدالتی
	کفران نعمت	کم‌یابی مال حلال
	فراموشی نعمت‌ها	شیوع فقر
پیروی از پیشوای ستمگر و تسلط طاغوت	سکوت در برابر طاغوت	تسلط طاغوت و پیروی از آن
	بزرگی قدرت طاغوت	فساد در سیاست



۳/۳ کدگذاری انتخابی و خلق نظریه

استراوس و کوربین کدگذاری انتخابی را به همراه کدگذاری باز و محوری اینگونه تشریح می‌کنند: «در کدگذاری باز، تحلیل‌گر به پدید آوردن مقوله‌ها و ویژگی‌های آنها می‌پردازد و سپس می‌کوشد تا مشخص کند که چگونه مقوله‌ها در طول بعدها تعیین شده تغییر می‌کنند. در کدگذاری محوری، مقوله‌ها به طور نظام‌مند بهبود یافته و با زیر مقوله‌ها پیوند داده می‌شوند. با این حال، این‌ها هنوز مقوله‌های اصلی نیستند که در نهایت برای تشکیل یک آرایش نظری بزرگ‌تر یکپارچه شوند، به طوری که نتایج تحقیق، شکل نظریه پیدا کنند.» «کدگذاری انتخابی» فرآیند یکپارچه‌سازی و بهبود مقوله‌ها است. (دانابی فرد، ۱۳۸۶: ۲۴)

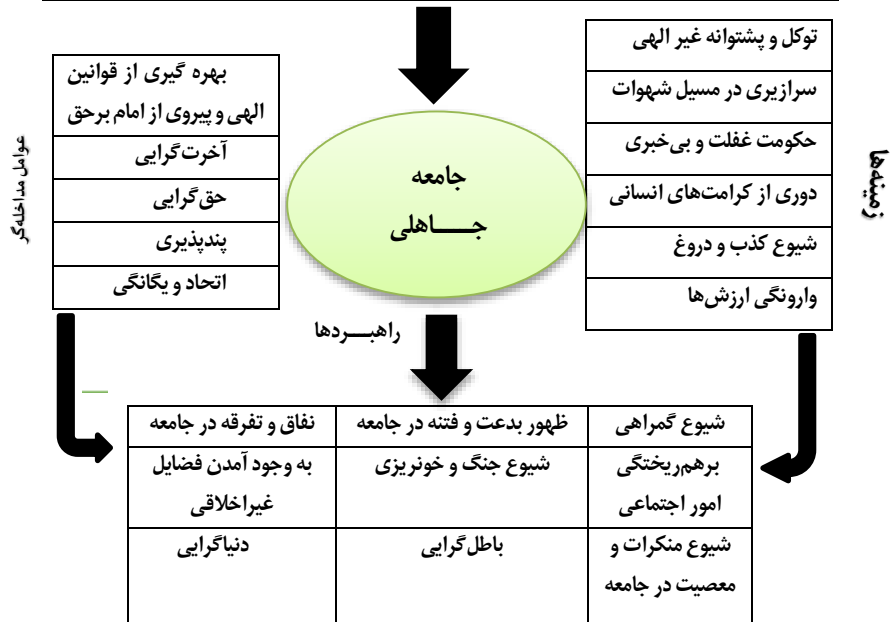
در این مرحله از مقاله، پژوهشگر برای یکپارچه‌سازی و خلق نظریه پیوسته میان داده‌ها و مقولات در رفت و آمد است و به صورت نظام‌مند یافته‌های قبلی را گرفته و با محوریت قرار دادن پدیده مرکزی

«جامعه جاهلی» آنها را به هم ربط می‌دهد و با اثبات رابطه بین آنها، به بسط و گسترش مقولات می‌پردازد و هر کدام از آنها را در جایگاه خود قرار می‌دهد برای مثال با توجه به الگوی ترسیم شده و همچنین با توجه به عنوان «جامعه جاهلی» که برای پدیده مرکزی انتخاب گشته است هریک از مقولات و مفاهیمی که در مراحل قبل برگزیده شده بود در جایگاه مربوط به خود جای می‌گیرد تا نظریه بصورت کامل و نظام‌مند شکل بگیرد. در جایگاه شرایط علی؛ مواردی چون: امتناع از پذیرش هدایت الهی، پیروی از پیشوای ستمگر و تسلط طاغوت، شناخت نادرست معبود، عدم پیروی از حجت الهی، فساد در اعتقادات (اضطراب عقیده) بی‌ارزشی تققه و تعقل و سطحی‌نگری قرار گرفت و آنچه زمینه ساز برای جامعه جاهلی می‌گردد همچون توکل و پشتوانه غیر الهی، سرازیری در مسیل شهوات، حکومت غفلت و بی‌خبری، دوری از کرامت‌های انسانی، شیوع کذب و دروغ و وارونگی ارزش‌ها در جایگاه زمینه‌ها قرار گرفت و از جمله عوامل مداخله‌گر همچون بهره‌گیری از قوانین الهی و پیروی از امام برحق آخرت گرایی، حق‌گرایی، اتحاد و یگانگی و پندپذیری می‌باشد و در موضع راهبردها: ظهور بدعت و فتنه در جامعه، شیوع جنگ و خونریزی، نفاق و تفرقه در جامعه، به وجود آمدن فضایل غیراخلاقی، باطل‌گرایی، دنیاگرایی، برهم ریختگی امور اجتماعی، شیوع منکرات و معصیت در جامعه جای گرفت و در آخر مواردی همچون: پریشانی در رابطه انسان با هم نوع، پریشانی در نظام زندگی، پریشانی در فکر و تصور، پریشانی در سلوک و رفتار، پریشانی در رابطه انسان و خالق به عنوان پیامدهایی که یک جامعه جاهلی در بردارد در مکان پیامدها گذاشته شد و بدین صورت تصویر یک جامعه جاهلی ترسیم گردید.

نظریه پردازان داده بنیاد، نظریه خودشان را در سه شکل ممکن ارائه می‌دهند: ۱. الگوی کد گذاری بصری ۲. مجموعه ای از قضایا و ۳. داستانی که به شکل روایی نوشته می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۶: ۲۶). که پژوهش حاضر نظریه خود را به شیوه کدگذاری بصری در جدول شماره ۳ ارائه داده است.

شرایط علی

امتناع از پذیرش هدایت الهی	پیروی از پیشوای ستمگر و تسلط طاغوت
عدم پیروی از حجت الهی	فساد در اعتقادات
شناخت نادرست معبود	بی ارزشی تفقه و تعقل
غیبت حجت الهی	سطحی نگری



پیامدها

پیشانی در رابطه انسان با هم
نوع
پیشانی در نظام زندگی
پیشانی در فکر و تصور
پیشانی در سلوک و رفتار
پیشانی در رابطه انسان و خالق

ترسیم جاهلیت از دیدگاه نهج البلاغه بر مبنای استراتژی داده بنیاد متنی



نتیجه‌گیری

بر اساس استنباط داده‌ها و کدهای استخراج شده از نهج البلاغه اگر جامعه از پذیرش هدایت الهی امتناع کرده، از پیشوایان ستمگر پیروی کند و در عقاید او اضطراب ایجاد شود در شناخت معبود دچار گمراهی گردد و از حجت الهی و امام برحق پیروی نکند، به نوعی سطحی‌نگر باشد و تفقه و تعمق را بی‌ارزش شمرد؛ موجبات سقوط آن در جاهلیت فراهم گشته‌است. و از طرفی چنانچه از قوانین الهی بهره بگیرد و از امام برحق پیروی کند و به آخرت رو آورند و بپذیرند باشند، در میان افراد جامعه روحیه اتحاد و یگانگی برقرار گردد؛ جامعه بسوی گمراهی و برهم‌ریختگی امور اجتماعی و باطل‌گرایی نخواهد رفت و وضعیت زندگی و معیشتی و اقتصادی نابسامان نخواهد شد و از آنجا که با وارونگی ارزش‌ها، دوری از کرامت‌های انسانی با غفلت و بی‌خبری و غوطه‌ورشدن در شهوات جامعه بسوی جاهلیت پیش می‌رود؛ نتیجه آن خواهد شد که در رابطه انسان با هم نوع، رابطه انسان با خالق پریشانی رخ دهد و در تصورات و تفکرات، در سلوک و رفتار انسانی اضطراب و دگرگونی پدید آید و نظام زندگی از همه لحاظ سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دگرگون می‌شود. و همگی شاخصه‌های یک جامعه جاهلی را نشان می‌دهند که هر کجا رخ بنماید و تحت هر عنوانی که باشد اعم از مسلمان و غیرمسلمان، جامعه مدرن و پیشرفته یا جامعه‌ای عقب افتاده از علم و فرهنگ، جاهلیت به تمام معنا در جامعه میدان‌داری می‌کند. در نتیجه می‌توان دریافت که جاهلیت منحصر به جاهلیت عرب و محدود به عصر و زمان معینی نیست که قابل بازگشت نباشد، بلکه حقیقتی مشخص است که نسبت به شرایط مکان و زمان مختلف، اشکال و صورت‌های مختلف به خود می‌گیرد که از نظر واقع یک حقیقت بیش نیست و از جهت تصورات و آثار فعالیت‌های خود در طول تاریخ تفاوتی ندارند و در میان هر قوم و نژاد و به هر پایه‌ای از معرفت و تمدن و در هر سطح فکری، سیاسی، اجتماعی و انسانی که باشند بوجود می‌آید؛ زیرا اساس و ریشه جاهلیت پیروی از هوای نفس و امتناع از پذیرش هدایت الهی، سرپیچی از رسالت‌های خدا و اعراض از پذیرش حکومت الهی است.

بنابراین مؤلفه‌های برآمده از سخنان حضرت، محدود به زمان و جغرافیای خاص نیستند در هر زمان و مکان دیگر نیز سازنده فرهنگ جاهلیت خواهند بود چنانچه توجه به افکار و رفتار نوع انسان‌ها در عصر حاضر و واکاوی آداب و رسوم و قانون‌هایی که بر زندگی بشر امروز حاکم است مؤلفه‌های جاهلیت را در جوامع امروزی و در عصر حاضر آشکار می‌سازد و گویی از همان عادات و عقاید حاکم بر جاهلیت قبل از اسلام پیروی می‌کنند.

منابع

نهج البلاغه

۱. ابن درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸م، *جمهره اللغة*، بیروت: دارالعلم للملایین.
۲. ابن خلدون، عبدالرحمن، ۱۳۹۳ش، *مقدمه ابن خلدون*، مترجم: محمد پروین گنابادی، تهران: علمی فرهنگی.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ق، *لسان العرب*، بیروت: دارصادر.
۴. امین، احمد، ۱۳۳۷ق، *فجر الاسلام*، تهران: اقبال.
۵. جعفریان، رسول، ۱۳۹۲ش، *تاریخ سیاسی اسلام*، ج ۱، قم: دلیل ما.
۶. خرمشاهی، بهاءالدین، ۱۳۶۶ش، *دایره المعارف تشیع*، تهران: بنیاد اسلامی طاهر.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۴ش، *مفردات الفاظ قرآن*، تهران: مرتضوی.
۸. ضیف، شوقی، ۱۳۷۷ش، *تاریخ الادب عربی (العصر الجاهلی)*، مترجم: علیرضا ذکاوتی، تهران: امیر کبیر.
۹. طبری، محمد بن جریر، بی تا، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت: دارالمعرفه.
۱۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۰۹ق، *العین*، قم: هجرت.
۱۱. فروخ، عمر، ۲۰۰۶م، *تاریخ الادب العربی*، ج ۱، بیروت: دارالعلم للملایین.
۱۲. قطب، محمد، ۱۳۶۰ش، *جاهلیت قرن بیست*، مترجم: صدرالدین بلاغی، تهران.

مقالات

۱۳. حکمیان، حمید، بی تا «تشریح روش تحقیق براساس مدل پیاز تحقیق با تاکید بر نظریه داده بنیاد».
۱۴. حسرتی، مصطفی، ۱۳۸۵ش، «مقدمه‌ای بر روش کیفی نظریه سازی داده بنیاد»، *مجله زیان و زیان شناسی*، سال دوم، شماره سوم.
۱۵. دانایی فرد، حسن، ۱۳۸۶ش، «استراتژی‌های پژوهش کیفی: تاملی بر نظریه پردازی داده بنیاد»، *اندیشه مدیریت*، سال اول، شماره دوم.
۱۶. مهرابی، ۱۳۹۰ش، «معرفی روش شناسی نظریه داده بنیاد برای تحقیقات اسلامی»، *مدیریت فرهنگ سازمانی*، سال نهم، شماره بیست و سوم.

